

تاریخچه کاپیتولاسیون در ایران و پیامدهای آن

محمدعلی اختری^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. سردفتر اسناد رسمی ۱۲۲ تهران و نایب رئیس کمیسیون وحدت رویه کانون سردفتران.

تاریخچه کاپیتولاسیون در ایران و پیامدهای آن

نظریه‌های مختلف درباره لایحه مصونیت‌های آمریکائیان

پس از ۴۰ سال که از تصویب و برقراری اعطای مصونیت‌های سیاسی به آمریکائیان می‌گذرد و ۲۴ سال از زمان لغو آن قانون سپری شده است هنوز هم بعضی افراد در اینکه آیا این مصوبه، احیای کاپیتولاسیون است یا نه، اختلاف نظر دارند. در این مبحث، می‌پردازیم به نگرش‌های مختلف صاحب‌نظران در خصوص این قانون:

۱_ آقای احمد میرفندرسکی معاون وقت وزارت امور خارجه که در زمان تصویب قرارداد در مجلس سنا و شورای ملی از طرف هیأت دولت از قرارداد دفاع کرده است در خاطرات خود می‌نویسد: «این جریان یکی از برجسته ترین نمونه‌های دادن اطلاعات غلط و گمراه کردن مردم (است) چند نکته را باید اینجا توضیح داد تا موضوع روشن شود. اول اینکه قرارداد وین چیست؟ دوم اینکه کاپیتولاسیون چیست؟ و بالآخره مسأله استفاده و کاربرد این دو از چه قرار است، قرارداد وین یک قرارداد بین‌المللی است که برای امتیازات و مصونیت‌های دیپلماتیک یا به عبارت دیگر حقوق دیپلماتیک، به سرپرستی سازمان ملل متحد

به تصویب رسید و ۸۳ دولت این قرارداد را امضاء کردند، هدف از تصویب این قرارداد این بود که امتیازات و مصونیت‌های دیپلمات‌ها که تا آن زمان به طور عرفی رعایت می‌شد در قالب یک قانون بین‌المللی مدون شود. این قرارداد در سال ۱۹۶۱ در وین تصویب شد و ریاست هیأت نمایندگی ایران را هم آقای دکتر متین دفتری برعهده داشت، که استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران بود»^۱

آقای میرفندرسکی در ادامه نوشته خود می‌گوید: «این قرارداد سه جزء دارد: یکی تنفیذ و تدوین مصونیت‌های سیاسی که نمایندگان سیاسی قبلاً از آن برخوردار بودند. دوم، از بین رفتن استنباط‌های متفاوتی که نسبت به برخی موارد مصونیت وجود داشت و سوم، نوعی نوآوری در زمینه مصونیت‌های دیپلماتیک از جمله برخورداری کارمندان اداری و فنی سفارتخانه‌ها از مصونیت‌های دیپلماتیک... نکته مهم این است که مقررات کنوانسیون وین دو جنبه است یعنی عملی متقابل می‌شود. مأمور سفارت خارجی در ایران قابل تعقیب نیست و متقابلاً مأمور سفارت ایران را هم نمی‌توانند در خارج محاکمه کنند. این کنوانسیون یک میثاق بین‌المللی و یکی از پایه‌های روابط دیپلماتیک بین کشورهاست. این قرارداد اعطای مصونیت سیاسی به آمریکائیان ربطی به کاپیتولاسیون ندارد، کاپیتولاسیون جاده یکطرفه است، یک دولتی به دولت دیگر در مورد اتباع او امتیازی می‌دهد، بدون آنکه متقابلاً این امتیاز را برای اتباع خودش بگیرد... پس یک قرارداد دو طرفه را نمی‌توان کاپیتولاسیون نامید _ آنهم قرارداد بین‌المللی که در بدو امر ۸۳ کشور آن را امضاء کردند و بدان، صورت قانونی دادند و الآن (سال تألیف کتاب ۱۹۹۷) ۱۵۶ کشور به آن پیوسته‌اند و پایه و اساس روابط بین‌الملل

۱. دیپلماسی و سیاست خارجی ایران. از شهریور ۲۰ تا ۲۲ بهمن ماه ۱۳۷۵، احمد میرفندرسکی، ص ۵۱ تهران نشر قلم، ۱۳۸۱.

محسوب می‌شود.^۱

آقای میرفندرسکی چند سطر بعد می‌گوید در ماده واحده تصویبی به دولت اجازه داده شده است که مستشاران آمریکایی هم از حقوقی که در تبصره ۲- ماده ۲۷ کنوانسیون وین قید شده برخوردار شوند. این ماده واحده حکم دستمالی را داشت که بر سری که درد نمی‌کرد بستند. من حتی از این هم بالاتر می‌روم و می‌گویم پوست خربزه‌ای بود که دشمنان آمریکا در ایران زیرپای دولت متکی به آمریکا یعنی دولت حسن علی منصور گذاشتند. بلکه مخالفین شخصی حسن علی منصور دست به دست هم دادند و یکصدا شدند تا از این طریق او را بکوبند و سیاست آمریکا را در ایران مفتضح کنند، وزارت امور خارجه اصولاً نسبت به این ماده واحده نظر مساعدی نداشت وزیر خارجه وقت آقای عباس آرام قرارداد وین را به مجلس سنا برد ولی ماده واحده را که آنهم آماده بود نبرد. به ایشان یادآور شدم ماده واحده هم هست گفت آن باشد برای بعد و اضافه کرد ضرورتی اصلاً ندارد. من هم می‌دانستم که واقعاً ضرورتی ندارد.^۲ میرفندرسکی ادامه می‌دهد: یک آقای «هرتسن» بود در آنجا که مشاور سیاسی سفارت آمریکا و مأمور CIA بود ساعت‌ها با هم صحبت کردیم، من به او گفتم این ماده واحده دردسر ایجاد خواهد کرد. این، ظواهر کاپیتولاسیون - تکرار می‌کنم - ظواهر کاپیتولاسیون را دارد و هوچی‌های ماهر آن را مستمسک هوچیگری قرار خواهند داد، آخر این چه کاری است که شما هر تعداد آدمی را که خواسته باشید می‌توانید به عنوان کارمند فنی - اداری - نظامی و غیرنظامی به وزارت امور خارجه معرفی کنید. وزارت امور خارجه طبق قرارداد وین کارتهای مصونیت برای آنها صادر خواهد کرد... هیچ لزومی ندارد که ما این ماده واحده را ببریم به مجلس، او می‌گفت نه این را کنگره

۱. همان کتاب، ص ۵۱ تا ۵۶.

۲. همان، ص ۵۷ و ۵۶.

از ما می‌خواهد.^۱

من با کمال اکراه برای دفاع از این ماده پشت تریبون رفتم و دفاع من مهم‌ترین دفاعی بود که ممکن است یک نفر از یک لایحه‌ای بکند... گفتم این همین است که هست می‌خواهید تصویب کنید می‌خواهید تصویب نکنید. ولی همان آقایان (منظور سناتورها هستند) که آن طور پائین و بالا می‌رفتند اشاره‌ای بهشان شد و ماده واحده را در نیم ساعت بعد از نیمه شب (سوم مرداد ۱۳۴۳) تصویب کردند.

در مجلس شورای ملی هم به عنوان معاون پارلمانی و سیاسی در جلسه حاضرشدم و فقط درخواست طرح و تصویب قرارداد را کردم. و اما مدافع لایحه خود آقای منصور بود که مرتب پشت تریبون می‌رفت و به وکلاء جواب می‌داد.^۲ آقای میرفندرسکی بعد از سطری چند تصویب لایحه را مربوط به رقابت سیاسی بین دو کشور غربی آمریکا از یک طرف و انگلیس از طرف دیگر می‌داند زیرا معتقد است در آن زمان رقابت آمریکا و انگلیس بر سر منابع نفت ایران به طور پنهانی ادامه داشت، ایشان مدعی است که وزارت امور خارجه از کنه قضایا خبر نداشت بلکه در آن زمان به وزارت امور خارجه لقب «وزارت خارج از امور» داده بودند. بعد از صفحاتی چند میرفندرسکی می‌گوید معتقد است ماده واحده هیچ‌گونه تغییری در قضایا نداد وضع بر روال سابق بود. وضع این طور بود که اگر شخص وابسته به سفارت مرتکب خطایی می‌شد کنسول آمریکا به وزارت خارجه آمده و در معیت یکی از رؤسا که معمولاً رئیس اداره تابعیت یا رئیس اداره امور احوال شخصیه بود به دادگستری مراجعه می‌کرد و با پرداخت وجه‌الضمان خاطی را مرخص می‌کرد. چون این مورد به طور عمده مربوط به سوانح رانندگی

۱. همان کتاب، ص ۵۸.

۲. همان کتاب، ص ۵۷ تا ۵۹.

بود در صورتی که مرگ و میری در بین بود رضایت بازماندگان را فراهم می‌ساختند و معمولاً آن آدم را دیگر در ایران نگه نمی‌داشتند. در هر حال آن ماده واحده جز دردسر هیچ اثری نداشت و هیچ تغییری هم در ماهیت قضایا به وجود نمی‌آورد.^۱

۲_ دیگر از کسانی که در مورد قرارداد مرقوم اظهار نظر می‌کند آقای دکتر علی نقی عالی‌خانی وزیر اقتصاد وقت (۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸) است. ایشان در خاطرات خود می‌گویند «من در آن موقع (یعنی تهیه لایحه) در تهران نبودم. این است که وقتی لایحه را به هیأت وزیران آوردند و بعد به مجلس بردند من حضور نداشتم زمان علم (امیر اسدالله علم نخست‌وزیر) که این جریان برای اولین بار مطرح شد من در آنجا خیلی تعجب کردم و مخالفت نمودم که این کار صحیح نیست فکر می‌کردم که لایحه کنار گذاشته شده، نمی‌دانستم که این را به عنوان یک مصوبه دولت نگهداشته‌اند که بعد به تصویب (مجلس) برسانند، اصولاً در آن جلسه خاطر من نیست چند نفر مخالف بودند که این کار اصلاً معنی ندارد تا اینکه گویا ناگهان این را هم جزء تصویب‌نامه‌های قانونی که باید به تصویب برسد، به هر حال به صورتی درآمد که درست شکل حقوقی آن را نمی‌دانم چه بود، به منصور دادند منصور هم خیلی با عجله آن را به مجلس برده بود. بعد خبر شدم که این لایحه در مجلس با واکنش تند چند تن از نمایندگان روبرو شده ... تا آنجایی که شنیدم زهتاب فرد نماینده آذربایجان به منصور گفته بود که سرهنگ یاتسویچ رئیس CIA در ایران خانه پدر شما را اجاره کرده و بنابراین شما با آمریکایی‌ها مربوط هستید.^۲

بعد از چند سطر دکتر عالی‌خانی اظهار نظر می‌کند که آمریکایی‌ها به شاه

۱. همان کتاب، ص ۶۰ تا ۶۴

۲. خاطرات دکتر علی نقی عالی‌خانی، نشر آبی، تهران ۱۳۸۱، ص ۲۰۹، ۲۱۰.

فشار آورده بودند که اگر می‌خواهید کمک نظامی ما ادامه پیدا کند می‌بایست این کار را بکنید و او هم در برابر فشار آمریکایی‌ها تسلیم شده بود _ البته این گفته دکتر عالی‌خانی را خاطرات میرفندرسکی هم تأیید می‌کند که گفته بودند در مجلس سنا اشاره به وکلا شد و همه آن را تصویب کردند و شاید این طور باشد که از طرف رئیس مجلس یا کسی اشاره شده باشد که دستور شاه هست که تصویب شود.

۳_ شخص دیگری که در این موضوع مطالبی اظهار داشته آقای دکتر مظفر بقایی کرمانی سیاستمدار زمان ملی شدن صنعت نفت بود. ایشان در خاطرات خود می‌گویند یک جزوه منتشر شد که شاه خیلی عصبانی شده بود^۱ در این جزوه یکی هم موضوع کاپیتولاسیون در کابینه منصور، این را در کمال اختفا تهیه کرده بودند که در مجلس سنا تصویب شده بود. صورت مذاکرات مجلس را اصلاً منتشر نکردند و خدا بیامرز مرحوم فریدونی از دوستان خیلی صدیق و باوفای ما بود، او صورت مذاکرات مجلس را برای من آورد. من جریان مجلس سنا را در یک جزوه‌ای تشریح کردم به اسم (هست یا نیست) این جزوه که منتشر شد خیلی صدا کرد یعنی: این کاپیتولاسیون هست یا نیست، چون کاپیتولاسیون بود که راجع به آن هم شاه خیلی عصبانی شده بود و فحشی داده بود به همه اینها که «این همه بودجه خرج شما می‌شود آن وقت زیر دماغ شما چهل و هشت صفحه جزوه بیرون می‌آید و خیلی عصبی شده بود و یک نکته جالب دیگر اینکه این جزوه ما روز اول آبان منتشر شده بود. در چهارم آبان آقای خمینی در قم منبر رفته بود و صحبت‌هایی کرده بود من جمله راجع به این موضوع که آن جزوه ما را کسی که بخواند و نطق آقای خمینی را، می‌بیند حتی بعضی جملاتی که من

۱ . جزوه‌ای به نام «هست یا نیست» یعنی کاپیتولاسیون هست یا نیست که بعداً نسبت به آن توضیحاتی داده می‌شود.

نوشتم توی نطق ایشان منعکس است^۱ نویسندگان جزوه «افول یک مبارز، نقدی بر وصیت‌نامه سیاسی، مواضع و خط مشی دکتر مظفر بقایی» در ص ۱۱۸ مدعی هستند که مخالفت دکتر بقایی با کاپیتولاسیون دوم از آنجا ناشی می‌شد که تصور می‌کرد که شاه مخالفتی با فعالیت دکتر بقایی نخواهد کرد.^۲ این موضوع مورد تأیید مرحوم دکتر حسین خطیبی نوری نایب رئیس وقت مجلس شورای ملی هم است. ایشان می‌نویسند «در میان مخالفین یکی مهندس بهبودی بود که پدرش رئیس تشریفات و معاون وزارت دربار بود. وکلا چنین می‌پنداشتند که چون او مخالفت می‌کند با وابستگی که به دربار دارد شاید این مخالفت به اشاره شخص شاه باشد، من شنیده بودم که مهندس بهبودی و تعدادی دیگر از مخالفین تصویب لایحه به علت گرایشات دیرینه خود نسبت به انگلستان نمی‌خواستند نظر مساعدی نسبت به تحکیم و تثبیت بیشتر قدرت آمریکا در ایران از خود نشان دهند، به طوری که گفته می‌شد سیدضیاءالدین طباطبایی ضمن ملاقاتی با شاه از او خواسته بود از دولت بخواهد لایحه را پس بگیرد شاه که تحت فشار آمریکا بوده توضیحاتی می‌دهد و سیدضیاء نهایتاً از شاه درخواست می‌کند اجازه دهد مخالفین لایحه بتوانند نظریات خود را در مجلس بیان کنند و این نکته که نطق بعضی از مخالفین لایحه به اشاره و توصیه سید ضیاء بوده است شاید مبنایی هم داشته باشد.^۳ با توجه به اینکه دکتر بقایی از فعالین سیاسی درجه اول بوده و در خاطرات خود بارها دلبستگی خود را به رژیم سلطنت مشروطه اعلام می‌کند بعید است بیهوده خود را با خطر مواجه کند مگر اینکه

۱. خاطرات دکتر مظفر بقایی کرمانی، نشر علم، چاپ تهران، ۱۳۸۱ ص ۳۹۵ تا ۳۹۶.

۲. افول یک مبارز، وصیت‌نامه سیاسی دکتر مظفر بقایی، تألیف ع. محمد آقا و صدیقی چاپ

۱۳۶۵ تهران، ص ۱۱۸.

۳. رنج رایگان (خاطرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی)، دکتر حسین خطیبی، تهران ۱۳۸۲.

تصور می‌کرده که دربار سلطنت با لایحه مخالف است و شاید هم در این مورد به خصوص اشتباه می‌کرده است، به هر حال دکتر بقایی کرمانی در جزوه «هست یا نیست» خود در آغاز اصل سیزدهم قانون اساسی مشروطه را نقل کرده که به موجب آن جلسات مجلس باید علنی باشد و مذاکرات مجلس در روزنامه منتشر شود تا هیچ امری از امور در پرده نماند. سپس به این موضوع اشاره می‌کند که این لایحه برای مستشاران آمریکایی نه لازم است و نه مفید و بعد می‌گوید مستشاران آمریکایی به خاطر تحکیم و حفظ استقلال کشور پذیرفته شده‌اند. اگر چنین کمکی عامل نقض استقلال و مضر به تمام‌بودن حاکمیت ملی باشد نقض غرض خواهد بود و سپس دلیل انتشار این جزوه و افشاگری در مورد این لایحه را مطابق اصل سیزدهم قانون اساسی سابق (مشروطه) حق خود می‌داند و در خاتمه جریان تصویب لایحه و سیر قانونی آن را در مجلس سنا و مجلس شورای ملی را پی می‌گیرد، بعد هم مذاکرات مجلس سنا و شورا را از مجله مذاکرات مجلس به دنبال مطلب اضافه می‌کند و پس از تعریف حقوقی کاپیتولاسیون و مقایسه آن با ماده واحد مصوب مجلس و ذکر یادداشت مبادله شده بین وزارت امور خارجه و سفارت آمریکا در تهران چنین نتیجه می‌گیرد که چون لایحه در شرایطی به تصویب رسیده که مذاکرات مجلس در جریان چاپ نشده پس تصویب هرچیز مجهول بلاثر است و بعد هم خلاصه بیانات مخالفان لایحه را در مجلس شورای ملی آورده و اظهار نظر شد که اگر ماهیت این قضیه برای تمام نمایندگان مجلس سنا و مسئولین امور کاملاً واضح و روشن بشود _ اکثریت آنها خودشان اقدام به لغو این قانون خواهند نمود و این لکه ننگ را از تاریخ کشور ما خواهند زدود.^۱

۴_ دیگر از دست‌اندرکاران وقت که در این موضوع مطالبی اظهار کرده مرحوم

۱. جزوه هست یا نیست، به نقل از کاپیتولاسیون، گناهی که هویدا به آن اعتراف کرد» تألیف محمدتقی علویان، قوانینی، چاپ تهران، ۱۳۵۸/۷/۱۶.

دکتر حسین خطیبی نوری نایب رئیس مجلس شورای ملی به هنگام تصویب لایحه است. ایشان می‌نویسند: «شب هنگام مهندس ریاضی (رئیس وقت مجلس) به من تلفن کرد که فردا جلسه را باید شما اداره کنید... دستور جلسه را پرسیدم معلوم شد چند لایحه عادی و کم‌اهمیت است، در آن موقع رسم بود که در پایان هر جلسه دستور جلسه بعدی را قرائت کرده و در صورت جلسه مجلس قید می‌کردند و آن را چاپ و منتشر کرده در اختیار نمایندگان می‌گذاشتند، به هر صورت در دستور جلسه چیز مهمی نبود و هیچ اشاره‌ای به لایحه مصونیت قضایی و سیاسی مستشاران آمریکایی نشده بود. فکر می‌کنم مهندس ریاضی که از جریان امور اطلاع داشت شاید نمی‌خواست خودش جلسه را اداره کند. از این رو تمارض کرده بود... آن طور که می‌دانم این لایحه را ابتدا در کابینه علم پیشنهاد کرده بودند و فکر می‌کنم علم جرأت نکرد آن را مطرح کند بعداً هم که من این لایحه را خواندم دیدم یک موضوع بی‌ربطی بود که آمریکایی‌ها برای تصویب آن به کابینه علم فشار زیاد می‌آوردند تا در دوره فطرت مجلس به تصویب برسد و خیلی علنی نشود گو اینکه بعداً می‌بایست به مجلس بیاید، اما علم زیر بار نمی‌رفت. او و خانواده‌اش از قدیم به انگلیسی‌ها وابسته بودند علم یا نمی‌خواست یا عقیده‌ای به آن نداشت یا آنکه می‌دید چون باید کنار برود، تصویب آن را به صلاح خود ندانست، مجلس هم که تشکیل شد مثل اینکه کمیسیون‌ها هم رأی داده بودند که صلاح نیست این کار بشود.

به هر صورت جلسه آن روز تشکیل شد و یکی دو تن از معاونین وزارتخانه‌ها برای پاسخگویی به پرسشهای نمایندگان - در مورد لوایحی که در دستور بود حضور داشتند یکباره دیدم منصور با کلیه وزیران کابینه وارد مجلس شدند تعجب کردم زیرا لوایح موجود اهمیتی نداشت که همه کابینه در جلسه حاضر شدند. پس از لحظاتی بی‌مقدمه دکتر ناصر یگانه که وزیر مشاور در امور پارلمانی بود

برخواست و با قید سه فوریت تقاضا کرد این لایحه در دستور قرار گیرد، غافلگیر شدم و اصلاً نمی‌دانستم که چه کنم، تجربه اداره جلسه را هم نداشتم. به نقیب لاهوتی رئیس اداره قوانین مجلس گفتم شما پشت سر من بایست و به من بگو که چه باید بکنم، او گفت دولت آمده لایحه‌ای جدید مطرح کرده و بایستی رأی گرفت بر طبق آیین‌نامه مجلس، اگر هیأت دولت با قید فوریت، تقاضای تغییر دستور جلسه مجلس را می‌کرد می‌بایست در مورد آن رأی‌گیری شود و اگر تصویب می‌شد دستور جلسه تغییر می‌کرد و تقاضای دولت مقدم بود رأی گرفتم اکثریت موافقت کردند، چون اکثر نمایندگان عضو حزب ایران نوین بودند و بایستی لایحه مطرح شد، پس از اینکه کلیات لایحه مطرح شد، مخالفین که تعدادشان زیاد بود یک‌ایک پشت تریبون آمدند و به تفصیل بر ضد این لایحه صحبت کردند که نام بعضی از آنها به خاطرمان مانده است، در میان مخالفین، رحیم زهتاب‌فرد، صادق احمدی، ابوالقاسم پاینده، مهندس ناصر بهبودی، هلاکو رامبد و چند تن دیگر بودند که به تفصیل درباره مزار این لایحه سخن گفتند... در اینجا بود که من به اهمیت این لایحه پی بردم و خودم هم مخالف شدم... محیط مجلس بسیار متشنج بود و پیدا بود که اکثریت با این لایحه مخالف است - تعداد موافقین اندک، سخنانشان هم کوتاه و بی‌محتوا بود، دفاع از این لایحه را احمد میرفندرسکی معاون وزارت خارجه به عهده داشت و چنین استدلال می‌کرد که این ماده واحده مربوط به لایحه‌ای است که به کنوانسیون وین الحاق شده و چیز مهمی نیست و کشورهای دیگری مثل ترکیه آن را به تصویب پارلمان خود رسانده‌اند و کوشش می‌کرد که از اهمیت موضوع بکاهد... زمان جلسات عادی مجلس ۴ ساعت بود از ۹ صبح تا ۱ بعدازظهر وقتی که بعدازظهر وقت جلسه تمام شد ۱۵ نفر از اعضای حزب ایران نوین پیشنهاد دادند که ۴ ساعت دیگر جلسه تمدید شود طبق آیین‌نامه رأی گرفتم، اکثریت موافق بودند جلسه تمدید شد و

باز هم مخالفین به تفصیل در رد این لایحه سخن گفتند در میان مخالفین یکی مهندس بهبودی بود که پدرش رئیس تشریفات و معاون وزارت دربار بود^۱ دنباله این مطلب از خاطرات دکتر خطیبی در صفحات قبل نقل شد و نیازی به تکرار نیست دکتر خطیبی ادامه می‌دهد که نکته دیگری که در اینجا سؤال برانگیز است، تصویب این لایحه در سنا است که قبل از مطرح شدن لایحه در مجلس شورا صورت گرفت رسم بر این بود که دولت لوایح را بر حسب تشخیص خود ابتدا به مجلس شورا می‌فرستاد... ولی این لایحه را اول به مجلس سنا فرستاد - در سنا هم شریف امامی این لایحه را پس از چند لایحه معمولی در ساعتی بعد از نیمه شب در حالی که بیشتر نمایندگان پیرمرد چرت می‌زدند این طور عنوان کرد که این لایحه مختصری است که دولت آورده و تصویب آن اشکالی ندارد سناتورها هم اگرچه یکی دو نفر مخالفت مختصری کردند ولی به آسانی آن را به تصویب رساندند سپس لایحه مصوب مجلس سنا به مجلس شورا آمد.^۲ از مأموران عالیرتبه دولتی و پارلمانی به جز اشخاصی که خاطرات آنها در خصوص ماده واحده به اصطلاح کاپیتولاسیون دوم نقل شد کسان دیگری مطلبی ننوشته‌اند. در کتاب خاطرات علم که به طور روزانه مدون شده مطلبی در این باره نیامده است، از مهندس عبدالله ریاضی رئیس وقت مجلس شورا و مهندس شریف امامی رئیس مجلس سنا به هنگام تصویب لایحه مطلبی درز نکرده، از حسن علی منصور نخست‌وزیر وقت هم تاکنون نوشته‌ای ندیده‌ام زیرا حسنعلی منصور در همان سال به قتل رسید.

و اما بیشترین مخالفت با موضوع مصونیت مستشاران آمریکا، از ناحیه حضرت آیت‌الله خمینی (امام) ظاهر شد که شرح آن بعداً خواهد آمد مرحوم حاج مهدی

۱. خاطرات دکتر حسین خطیبی، ص ۳۰۱ تا ۳۰۸.

۲. همان، ص ۳۱۱.

عراقی در این خصوص می‌نویسد: «در همین اواخر شهریور» یا تقریباً اواخر مهر بود که یکی از رفقای بی که ما در مجلس داشتیم به ما اطلاع داد که یک لایحه‌ای دولت می‌خواهد بیاورد در مجلس و مصونیت می‌دهد به ۱۷۰۰ مستشار آمریکایی که بعداً به همین نام لایحه کاپیتولاسیون مشهور شد، این مسأله آمد با آقا (امام خمینی) مطرح شد، آقا این جوری قبول نکردند گفتند تا مدرک نباشد ما نمی‌توانیم روی آن حرفی بزنیم شما اگر می‌توانید مدرکش را تهیه کنید تا این شد که لایحه آمد در مجلس و عده‌ای مخالفت کردند با لایحه تا فرستادیم صورت جلسه‌ای که در مجلس بود از روی آن صورت جلسه فتو (کپی) کردند عین صورت جلسه را خارج کردیم هم از مجلس شورا و هم از مجلس سنا این صورت جلسه را در اختیار آقا (امام خمینی) گذاشتیم که آقا دو کار انجام دادند: یکی آن اعلامیه کاپیتولاسیون را دادند و یکی را هم گذاشتند روز چهارم آب‌آنکه به حساب، شاه جلوس داشت آن سخنرانی ضد کاپیتولاسیون را علیه شاه کرد که خود پخش آن اعلامیه که همانجور که قبلاً گفتم در دو ساعت از ساعت از ۱۰ تا ۱۲ شب به خصوص در قسمت آمریکایی‌نشین‌ها زیادتر از جاهای دیگر پخش شده بود، دستگاه امنیتی را یک مقدار ناراحت می‌کند و فشار زیادی هم به نصیری می‌آوردند «رئیس شهربانی بود» که در هر حال آن تشکیلاتی که وابسته به آقای خمینی هست شناخته شود که این یک سازمانی است شکل یافته و درست و صحیح که این همه اعلامیه را در عرض دو ساعت در تهران و تعداد زیادی از شهرستان‌ها پخش کرده و شما نتوانسته‌اید یک نفر از اینها را در هر حال دستگیر کنید، روز چهارم آبان ماه که شاه در کاخ گلستان مشغول دیدن بعضی از افراد بود که به دیدن او رفته بودند آنهایی که آنجا بوده‌اند یک وقت متوجه شده‌اند شاه می‌رود بیرون بعد از یک مدت کوتاهی برمی‌گردد خیلی عصبانی بود، انگار نوار حاج آقا را همانجا برایش گذاشته‌اند، که همانجا دستور بازداشت ایشان را صادر

کند دو روز یا سه روز از چهارم آبان می‌گذرد تقریباً شب نهم آبان آقا را می‌گیرند که روز نهم آبان ماه متوجه شدیم که ایشان را گرفته‌اند.^۱ مرحوم حاج مهدی عراقی در خصوص نحوه پخش اعلامیه امام خمینی راجع به کاپیتولاسیون می‌نویسند «اعلامیه کاپیتولاسیون حاج آقا را که نزدیک به ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تا اعلامیه بود در عرض ۲ ساعت از ۱۰ تا ۱۲ شب تهران، قم، مشهد، شیراز، اصفهان پخش شد بدون اینکه یک نفر گیر بیفتد. خود این، بیشتر از خود نطق حاج آقا (امام خمینی) دستگاه را ناراحت کرده بود.^۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ناگفته‌ها، خاطرات حاج مهدی عراقی، چاپ مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ افق ۱۳۷۰،

ص ۲۰۷.

۲. همان ص ۱۷۰.